



فصلنامه علمی، فرهنگی، سیاسی

فصلنامه علمی، فرهنگی، سیاسی  
سال نهم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۹۲



تأسیس: آذر ۱۳۸۱  
محل انتشار: مشهد  
تکثیر: به روش  
رنگ و چاپ: چاپخانه  
پخش: به روش  
تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۰۰۰۰  
پست: ۹۱۷۱۴۱۱۱۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشوراء

السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين  
وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين

صلى الله عليك يا ابا عبد الله

انجمن فرهنگي تبلور انديشه

[www.Tabalwor.com](http://www.Tabalwor.com)

[www.Facebook.com/tabalwor](https://www.facebook.com/tabalwor)

[www.Twitter.com/Tabalwor](https://www.twitter.com/Tabalwor)

### صاحب امتیاز:

انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

### مدیر مسئول:

سید سلیمان حسینی

### هیئت تحریریه:

سید سلیمان حسینی، سید علی حسینی، سید محمد هاشمی، سید حسین حسینی (مدیر)، فاطمه خاوری، معصومه حیدری، سارا حسینی

### همکاران این شماره:

نجیبه حسینی، سید جواد حسینی،

### صفحه آرا و کمپوزین:

سید جواد حسینی

### طراحی و گرافیک:

گروه طراحان گرافیک گیتی سیستم  
[www.fb.com/Gitisystem](http://www.fb.com/Gitisystem)

### سرمقاله ۳/

مدیر مسئول

نخستین گزارشگران واقعه عاشورا چه کسانی بوده اند. ۴/

دکتر همایون عباسی

نگاهی به لیهوف ۱۰/

سید علی حسینی

پرده خوانی ۱۲/

سید جواد حسینی

رسم کهن عزاداری محرم ۱۴/

معصومه حیدری

مقتل نگاران شیعه ۱۶/

سید سلیمان حسینی

تعزیه میراث فرهنگی و معنوی بشر ۱۸/

نجیبه حسینی

مناقب خوانی ۲۲/

سید محمد هاشمی

عاشورا در افغانستان ۲۴/

### نکته ها

اندیشه نو از کلیه مقالات ارسالی در موضوعات مرتبط با فصلنامه استقبال می کند. نظریه ها و دیدگاه های آمده در این فصلنامه ضرورتاً نکرده و موضع اندیشه نو نیست، بازگویی و نقل مطالب و نظریه ها از این فصلنامه با یاد کرد منبع بدون مانع می باشد. مقالات رسیده بازگردانده نمی شود.

اندیشه نو از بازاندیشی و نقد روشمند و منصفانه استقبال میکند.

### آدرس:

[www.FB.com/tabalwor](http://www.FB.com/tabalwor)

کابل: پل سرخ، قلعه وزیر، سمت چپ درب نوم، نسیم غلام زاده

کابل: برجی، گولایی، مهتاب قلعه، جنب مدیریت شورای حوزه علمیه افغانستان، سید باقر حسینی

هرات: هرات شهرک جبرئیل چهارده متری بالابعداز مجمع الذاکرین: علی ظفر عزیززاده

هرات: شهرک جبرئیل بعداز کتابخانه رسالت (جزیره) چهارراه دوم سمت چپ، درب سوم سید محسن حسینی

مزار شریف: اول کارنوحدت (روبه روی آده موترهای خورد کابل) ایسه خصوصی دخترانه مهر سید ابراهیم

سادات مرتضوی

بامیان: یکه ونگ، نیک، شهرنو، دفتر هیئت سازمان ملل متحد، سید داوود قنار

مشهد، گلشهر، امیرالمؤمنین ۱، پلاک ۲۷۰، انجمن فرهنگی تبلور اندیشه



# طلیعه سخن

خزاز قمی با سند خویش از کمیت نقل می کند:

خدمت سرورم امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ای پسر پیامبر! من درباره شما اشعاری گفته ام. اجازه می دهید بخوانم؟ فرمود: این ایام، ایام البیض است. گفتم: درباره شماست.

فرمود: بخوان. شروع به خواندن کردم: روزگار مرا خندانند و گریانند روزگار از این تحولات بسیار داد برای آن نه نفری که مورد نیرنگ قرار گرفتند و همه کفن شدند.

امام باقر علیه السلام گریست. امام صادق علیه السلام هم گریست. صدای گریه خانمی را هم از پشت پرده شنیدم، چون به اینجا رسیدم که: شش نفری که بی همتایتان، فرزندان عقلی از بهترین جوانان بودند: بس علی، سرور شما، که یادشان عمهای مرا زنده می کند و بر می انگیزد. حضرت گریست و فرمود: هیچ کسی نیست که از ما یاد کند یا نزد او از ما یاد شود و از دیدگانش هر چند به اندازه بال مگسی اشک در آید، مگر آنکه خداوند برای او خانه ای در بهشت بنا می کند و آن گریه را مانعی میان او و آتش دوزخ قرار می دهد.

چون به اینجای سخن رسیدم که: هر کس از مصیبتهای شما شاد شود یا روزی ملامت کند، شما پس از عزت، دلیل شدید و نمی توانم مظلومیت شما را که مرا فرامی گردید، دفع کنم.

حضرت دست مرا گرفت و گفت: خدایا! گناهان گذشته و آینده کمیت را بیامرز.

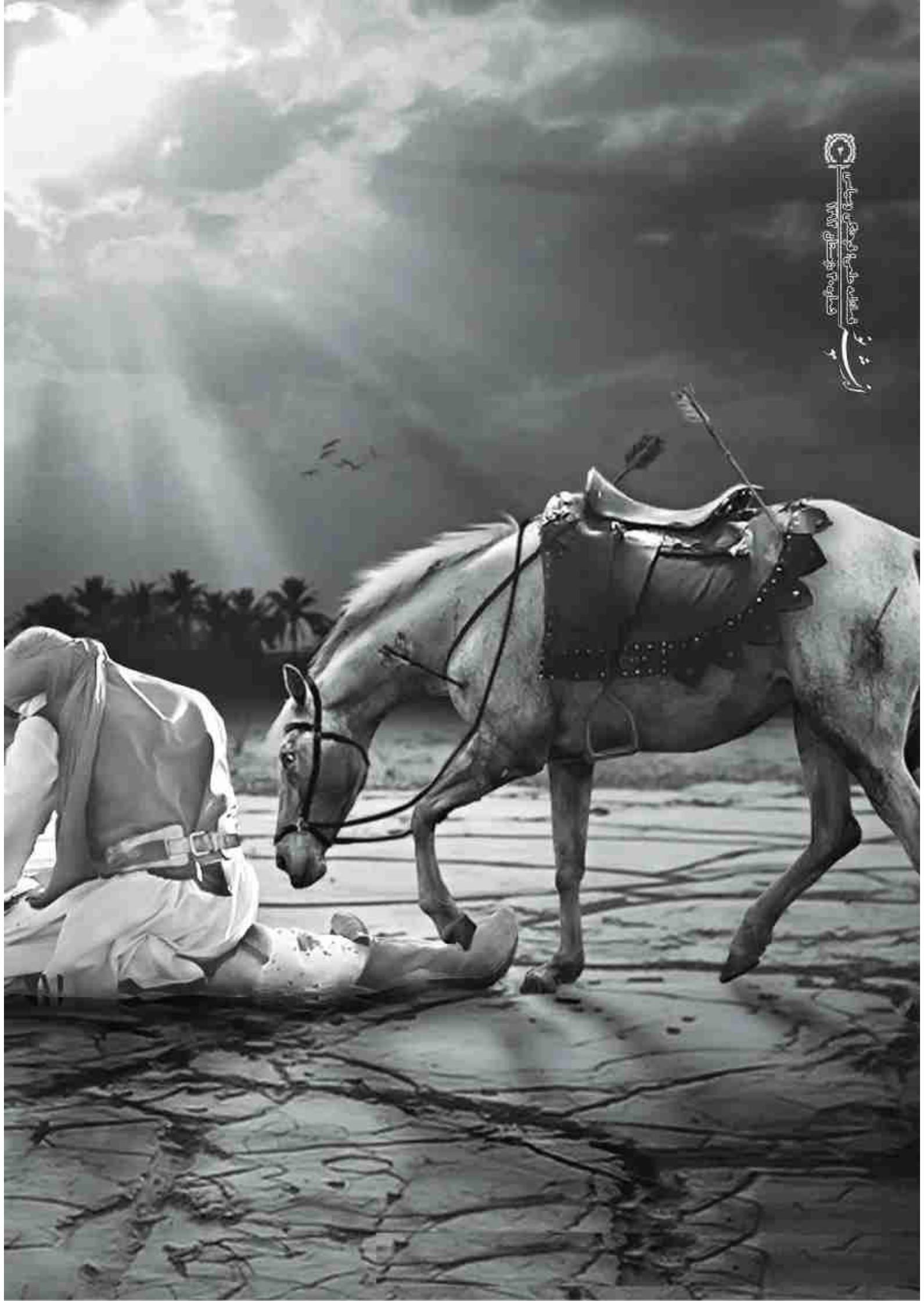
چون به این بیت رسیدم: چه زمانی حق در شما خاندان برپا می شود و یکی مهدی دوم شما قیام می کند؟

فرمود: زود است آن شاه الله زود.

خوانش مقتل قالبهای مختلفی را در می آورد تا به دل مخاطب بنشیند و شاید بتوان گزیده فوق را هم نوعی از این مقتل خوانی دانست.

مقتل خوانی سنت قراموش شده ای است که این روزها همه توصیه به آن می کنند. این روزها احتمالاً زیاد در رادیو و تلویزیون کلمانی مثل «مقتل» و «مقتل خوانی» را می شنویم و از لزوم مراجعه به مقاتل معتبر حرف زده می شود. اما این مقتل اصلاً چی هست؟ چه کسانی آن را نگاشته اند؟ چندمقتل داریم؟ و کلی سؤال دیگر.

مقتل خوانی، مناقب خوانی، برده خوانی، شبیه خوانی، روضه خوانی و... این اصطلاحات، همه شان شاید نشان از یک تعلق خاطر به واقعه ای خاص باشند؛ واقعه ای که تحولی عظیم را دامن زد. صفا آرای تمام اسلام در مقابل تمام کفر و ایستادگی مردانی آزاده در مقابل دنیا پرستان زبون، حال نسل های بعد نیاز مند آگاهی از این واقعه عظیم اند. و گذشتگان آنها نگاشته اند برای آینده گان و در طول تاریخ قالب هایی زیادی برای روایتگری این واقعه بوجود آمد که با این اصطلاحات نام گرفتند: مقتل خوانی، مناقب خوانی، برده خوانی، شبیه خوانی، روضه خوانی و... اصطلاحاتی که احتمالاً در عصر ما به غیر از آخری، بیشتر افراد معنایشان را نمی دانند. در این شماره از فصلنامه اندیشه نو سعی شده تا به این اصطلاحات پرداخته شود و از این واقعه به تفصیل سخن رود. از قالب های روایت گری مقاتل تا سیری تیتروار بر تاریخچه نگارش آن نیز سخن به میان آورده شود. شاید بر معرفت مخاطبین در راستای شناخت بیشتر این واقعه عظیم بیافزاید.



اولیٰ کسی کہ بیانات کر بلا را در کتابت کند گزند او را  
وزجی از وی معروف به این مخلف است ہی کتابی به  
یار عقل الحسنی نوشت  
این مخلف یونانیان عاشورا را با یک یا دو نسخه از  
کولعلی روایت کنند امام سبط بن علی بن مسلم از وی  
عنه بن سمان و عذاک بن صالحه مشرفی و نقل  
کرده است از رنگار گزارش این مخلف جزئیات عاشورا  
به گت تاریخ چون تاریخ طبری و ارتد مرحوم مفید  
انتقال یافتند سابعاده این کتاب ارتدست از غیر رفتند

نخستین گزارشگران واقعه عاشورا چه کسانی بودند

همایون عباسی

### مقدمه

شهادت سالار شایستگان به همراه مردانی از اهل بیت و یارانش همچون بمبی در جهان اسلام منفجر شد و همه مسلمانان را حیرت‌زده و دچار وحشت کرد. با کمال ناباوری ناگوارترین خبرها را درباره فرزندان و اهل بیت پیامبرشان شنیدند، سوگوارانه کنجکاو جزئیات رویداد شدند. گواهان و شاهدان، قضایا را بازگو می نمودند. همین طور به صورت شفاهی و سینه به سینه اخبار منتقل می شد. این از یک سو و از سوی دیگر تأکید پیشوایان معصوم بر اهمیت و پاداش سوگواری بر سالار شهیدان و خاندان و یاران باوفایش سبب گردید مردم همه ساله در ایام شهادت حضرتش به سوگ بنشینند و بار دیگر قضایای عاشورا را بشنوند و بر مظلومیت حضرتش اشک بریزند و درس ها و پیام‌های این قیام خونین را مرور کنند. از آنجا که گاه قضایای بی پایه و نادرستی نیز در باره جزئیات رویداد غمبار عاشورا گزارش می شود، برخی می خواهند روایات درست و واقعیات مسلم را نیز زیر سؤال ببرند و گاه با گفتن این جمله که اصلاً این قضایا را کی نقل کرده و از کجا معلوم که درست باشد، شک و شبهه‌ای در ذهن برخی جوانان پاک‌دل ایجاد می کنند.

از اینرو ضروری به نظر می رسد نگاهی به نخستین روایان و ثبت کنندگان این جریان عظیم تاریخ بشریت داشته باشیم. در این مقاله گواهانی که حادثه را از نزدیک دیده و به دیگران بازگو کرده‌اند، نام برده شده و دیدگاه رجالیان در باره آن‌ها بازگو شده است. و هم از اولین کسانی که این واقعه را در کتاب ثبت کرده و قضایا را مکتوب کرده‌اند، یاد شده و بررسی مختصری در باره آن‌ها صورت گرفته است.

### اولین کتاب

اولین کسی که دست به قلم برد تا واقعه جانسوز کربلا را مکتوب کند، مردی از کوفیان به نام «لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی غامدی» است. وی معروف به «ابی مخنف» در گذشته به سال ۱۵۷ هجری قمری، می باشد. این مرد بزرگ شرح آن واقعه غمبار را از زبان راستگویان و گواهان آن حادثه تکان دهنده گردآورد و در کتابی سپرد و آنرا «مقتل الحسین» نام گذارد.

در پرتو روشن بینی و درایت ابی مخنف، شاگردی تربیت یافت. او روایات تاریخی به ویژه جریان اسف انگیز کربلا از استاد خویش آموخت. وی «هشام» فرزند «محمد بن سائب کلبی کوفی نسابه» در گذشته به سال ۲۰۶ هجری قمری است. نامبرده تحقیقات گسترده‌ای کرد و گزارشات استاد را همراه با پژوهش های خود نموده و به استاد نشان داد. ابومخنف همه را امضاء کرد و بدین وسیله دومین کتاب پیرامون واقعه حزن انگیز نینوا به نگارش درآمد. از رهگذر همین اثر، کتاب ابی مخنف به دست دیگر مورخان رسید.

با نهایت تأسف این کتاب به مرور زمان از بین رفت. واینک حتی نسخه‌ای از آن یافت نمی شود.

ولی دیگر تاریخ نگاران، مطالب آن را گزارش کرده‌اند و معلوم می شود این کتاب در اختیار آنها بوده است. روایات هشام از ابی مخنف در کتاب های زیادی گزارش شده است از آن جمله در کتاب های زیر است:

- ۱- تاریخ طبری، اثر محمد بن جریر طبری، در گذشته به سال ۳۱۰ هـ ق - وی روایات هشام را درباره رویداد عاشورا ضمن حوادث سال ۶۱۰ ع نقل کرده است.
- ۲- «ارشاد» اثر مرحوم مفید وفات یافته به سال ۴۱۳ هـ ق در بحث شهادت امام حسین (ع).



## نگاهی به شخصیت اولین نویسنده جریان کربلا ابی مخنف و شاگرد وی هشام

۱. ابومخنف

به درستی روشن نیست که مذهب «ابی مخنف» چه بوده است؛ اما درستکاری و راستی او را بزرگان شیعه و سنی تأیید کرده اند و مورخان از اهل سنت همچون طبری و ابن اثیر تاریخ خود را لبریز از روایات و اخبار «ابو مخنف» ساخته اند.

وی در زمان حضرت صادق و حضرت کاظم (علیهما السلام) می زیسته؛ اما از ایشان روایت نیاورده و از اصحابشان شمرده نشده است. و این ما را بر این نکته رهنمون می سازد که او شیعه تمام عیاری که معتقد به گزینش الهی در حق ائمه معصومین (علیهم السلام) از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، نبوده بلکه تنها در اندیشه و نظرگاه علمی و تمایلات قلبی بسان بیشتر مردم آنروز کوفه، دوستدار خاندان وحی و رسالت بوده، بی آنکه مذهب اهل سنت را مردود شمارد.

به هر حال بهترین گفته درباره وی سخن نجاشی است: «او استاد بزرگ مورخان و محدثان کوفه و چهره سرشناس آنان بوده و به گونه ای است که دل در روایان و نقل او آرام می گیرد...»

۲. هشام کلیبی

رجال شناس نامدار شیعه مرحوم نجاشی درباره وی چنین می نویسد: هشام تاریخ دان، تاریخ نگار مشهور به دانش و کمال از پیروان مذهب خاندان رسالت بود. حضرت صادق او را به خویش نزدیک می ساخت و احترام می کرد و برای او میدان رشد و بالندگی فراهم می کرد. به همین جهت هم موفق بود و کتاب های بسیاری از خود به یادگار نهاد.

گواهان رویداد

مرحوم ابی مخنف گزارش های خود را گاه مستقیماً و گاه با یک، دو و یا سه واسطه از کسانی که شاهد و ناظر واقعه تکان دهنده کربلا بوده اند نقل می کند.

این افراد فراوانند و در این مقاله تعدادی از افرادی که روایات بیشتری از آنها رسیده را می آورم و علاقه مندان را برای اطلاعات بیشتر به کتاب «اولین تاریخ کربلا» اثر یوسفی غروی ترجمه علی کرمی حواله می دهم.

۱. امام سجاد (ع)

آن حضرت شاهد و گواه همه رویدادها بوده است؛ اما از آنجا که تحت کنترل حکومت وقت بوده است، فرصت زیادی برای بازگویی مصائب عاشورا نداشته است. از این رو هم از ایشان و امامان بعدی که تحت مراقبت و فشار بوده اند - درباره جزئیات رویداد کربلا کمتر روایت رسیده است.

۲. حمید بن مسلم ازدی

نامبرده به همراه «شمر» (لعنه الله) به کربلا آمده است و ظاهراً گزارشگر اخبار و وقایع به این زیاد بوده است و نقش خبرنگار امروزی را داشته است. از وی جزئیات بسیاری از حوادث کربلا، و مخصوصاً کارهای نکوهیده و ناپسند شمر (لعنه الله) نقل شده است.

وضعیت وی در نزد رجال شناسان روشن نیست و او را هیچ رجالی تأیید نکرده است؛ اما مرحوم نمازی می گویند: او در قیام مختار برای خون خواهی امام حسین (ع) شرکت جست.

۳. عقبه بن سمان

وی غلام رباب همسر امام حسین بوده است. همراه سالار شایستگان به کربلا آمد. او مأمور نگهداری اسبهای حضرت بود. هرچند برخی از علماء می گویند وی در کربلا شهید شده است، اما عده ای دیگر معتقدند وی نجات یافته است. درباره چگونگی نجات او منابع اختلاف نظر دارند بنا به قولی پس از شهادت امام حسین (ع) سوار اسبی شده و گریخت، کوفیان او را اسیر کردند و خواستند بکشند ولی وقتی متوجه شدند غلام رباب است آزادش کردند. طبق روایت مشهور در شام عاشورا وی اسیر شد ولی آزادش کردند. از اینکه ابو مخنف گزارشات زیادی از وی نقل کرده معلوم می شود در کربلا شهید نشده است.

۴. ضحاک بن عبدالله مشرقی

وی از یاوران کاروان نور است؛ اما پس از شهادت امام حسین (ع) از حضرت جدا شد. او از آغاز به سالار شایستگان عرض کرد که به خاطر بدهکاری و عیال داری نمی تواند در رکاب آن گرانمایه عصرها و نسلها به جانفشانی کند؛ لذا از ایشان اجازه خواست تا زمانی که کسی از یاران امام باقی است و بتواند نفعی به آقا برسد بماند و آنگاه برگردد. پیشوای خوبان پیشنهاد وی را پذیرفتند. روز عاشورا پیشاپیش سولایش به کارزار پرداخت. دو نفر از دشمنان را کشت و دست یکی را قطع کرد. آنگاه که همه یاران حضرت به شهادت رسیدند با کسب اجازه از امام سوار اسب خود شد و فرار کرد. دشمن وی را تعقیب کرد پس از این که به او رسیدند به خاطر خویشی که برخی از آنان با ضحاک داشتند از وی دست برداشتند. و بدینسان او زنده ماند و جریاناتی را که دیده بود به دیگران بازگو کرد.

سخن پایانی

همانگونه که یاد آور شدیم کتاب «مقتل الحسین» مشهور به «مقتل ابی مخنف» از بین رقت. در دوران‌های اخیر برای نخستین بار در سال ۱۲۵۷ هـ. ق در تهران کتابی به نام «مقتل ابی مخنف» به چاپ رسید. علماء و بزرگان از همان اول ساختگی بودن آن کتاب را گوش زد کردند.

و بالاخره محقق دانشمند «یوسفی غروی» با استفاده از گزارش‌های طبری در تاریخ طبری و مرحوم مفید در ارشاد به بازسازی و تحقیق «مقتل ابی مخنف» پرداخت و بر اساس آن، «مقتل الحسین» را بازنویسی کرد. این کتاب را مترجم توانا آقای «علی کرمی» به فارسی برگرداند. موسسه مطبوعاتی دارالکتاب جزایری به نام «اولین تاریخ کربلا» به نشر رسیده است. این مقاله را با استفاده از مقدمه این کتاب ارزشمند نوشته شده‌ام و علاقمندان به اطلاعات بیشتر را به آن کتاب ارجاع می‌دهم.

- منابع
- ۱- اولین تاریخ کربلا، یوسفی غروی ترجمه علی کرمی، موسسه مطبوعاتی دارالکتاب جزایری ۱۳۷۸.
  - ۲- رجال نجاشی، نجاشی، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۶.
  - ۳- نگاهی به جریان عاشورا، واسعی، سید علی رضا و همکاران، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳.
  - ۴- مستدرکات علم رجال الحدیث، نمازی علی، ناشر: حسینیه عماد زاده تهران، ۱۴۱۲ تهران.

# راز ناتیرمقتل خوانی

درو صاحب‌به‌داکراهل بیت (ع) علی اصغر حکیم

جودلان را برای مخاطبین ما معرفی می‌کنیم:

- علی اصغر حکیمی، از کشور افغانستان.

آستان علی اصغر است، روضه علی اصغر (ع) را هم خواندید؟

- بله! خیلی زیاد خواندم، البته اگر خدا قبول کند!

از چند سالگی منادی می‌کنید؟

- از ۷ سالگی شروع کردم.

شبه منادی در افغانستان چگونه است، چه سبک هابی یا ارثه، می‌تهد یا از چه ابیاتی استفاده می‌کنید؟

- در افغانستان به این شکل که منادی کلاسیک و استادی هم باشد، از این مسائل نیست، بلکه به صورت خودجوش برخی افراد منادی می‌شوند، در بعدازظهر روزهای جمعه در کابل مراسم‌های سخنرانی برگزار می‌شود و در آنجا کودکان به نوحه سرایی می‌پردازند و به خصوص روضه علی اصغر (ع) می‌خوانند، همچنین در روزهای جمعه در مراسم مقتل خوانی انجام می‌شود.

البته منادی یا مقتل خوانی تفاوت دارد، با این وجود سبک‌های وطنی در افغانستان است و مردم به زبان محلی مقتل خوانی دارند و اشعاری را مرثیه‌خوانی می‌کنند، البته مراسم عزاداری افغانستانی‌ها نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است، آن‌ها مراسم سینه‌زنی خاصی دارند و در روز هفتم ماه محرم علم‌کشی دارند.

همچنین در مناطق مختلف و عمومی شهر جوانان جمع می‌شوند و به زنجیرزنی می‌پردازند، همچنین در روز عاشورا در مسجد زیارت منسوب به حضرت ابوالفضل (ع) مراد خانی کابل مراسم عزاداری برگزار می‌کنند که یک این مکان در یک عاشورا رنگ خون به خود گرفت و ۷۰ نفر از هموطنان ما به شهادت رسیدند که نکته جالب اینجاست که انتشار عکسی از این انفجار - دختری سبزپوش در میان کشته‌شدگان - توانست اوج مظلومیت این واقعه را به تصویر بکشد



چه زمانی این اتفاق رخ داد؟

-عاشورای سال ۹۰ رأس ساعت ۱۲ ظهر در کابل افغانستان.

کسی که می‌خواهد مداحی کند، برای اینکه کلامش میان جوانان تأثیرگذار باشد، باید چه ویژگی داشته باشد؟

-اگر اخلاص به قلب او رسوخ کرده باشد، خود به خود در جوانان اثر می‌گذارد، بلکه مردمی که در مداحی او حضور دارند را تغییر می‌دهد، البته این را اضافه کنم که جوانان افغانستانی جلسات شب‌های جمعه آن‌ها ترک نمی‌شود.

فرزند هم دارید؟

- دو پسر و دو دختر دارم.

از فرزندان شما کسی هم مداح شده است؟

-بر عکس پسرانم، دخترانم به مداحی علاقه دارند و در ایام عاشورا در جلسات بانوان، مداحی می‌کنند.

کریلا هم رفتید؟

-بله، ۴۰ بار

: تفاوت بار آخری که به کریلا رفتید با بار نخست، چگونه بوده است؟

-عشق به امام حسین(ع) بیشتر از قبل شده است.

چه توصیه‌ای برای جوانان و کسانی که مساجد شما می‌خوانند، دارید؟

-آرزو دارم همه جوان‌ها در این راه هدایت شوند و عشق به اهل بیت(ع) و امام حسین(ع) در کردار آن‌ها موج بزنند، زیرا اگر این عشق در دلشان جای بگیرد، از همه مشکلات و آسیب‌ها ایمن خواهند بود، همان گونه که پیامبر(ص) فرمود: «ان الحسین مصباح الهدی وسفينة النجاة»، حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

سارا حسینی



# نگاهی به لالهوف

سید علی حسینی

فصلنامه علمی، فرهنگی و سیاسی  
شماره ۳۰، زمستان ۱۳۹۲



## مقدمه:

تنها یزید نبودند که با حسین (ع) جنگید، بلکه همه حاکمان پس از یزید نیز در مقابل ارادتمندان ساحت قدس حسین شهید ع ایستادند و کوشیدند بر روی واقعه کربلا پرده کشیده، یا آن را مخدوش سازند. در عین حال از زمان وقوع واقعه کربلا تا امروز بسیاری از افراد اعم از شیعه و سنی به زبان‌های مختلف در باره کربلا کتاب‌ها نوشته‌اند و برای مجلس امام حسین (ع) (مظلومیت سید و سالار شهیدان کربلا و پیام حریت و آزادی آن قیام را در جهان منتشر نموده‌اند.

مقاله حاضر در صدد معرفی هرچند مختصر، یکی از معتبرترین مقتل‌های نگاشته شده به نام «اللهوف سید ابن طاووس» می‌باشد.

برخی از کسانی که از زمان واقعه کربلا تا زمان سید بن طاووس مقتل نوشته‌اند.

۱. ابوالقاسم أصبغ بن نباتة مجاشعی تمیمی حنظلی؛ نخستین کسی که مقتل حسین (ع) را نگاشته است ۱۰۰ هجری در گذشت ۲. ابو مخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سالم آزدی غامدی. کتاب مقتل الحسین که اخیراً به نام ابی مخنف چاپ شده، از او نیست. بعضی احتمال می‌دهند که به قلم سید بن طاووس باشد و او آن را از مقتل ابی مخنف گرفته در آن کاهش و یا افزایش داده است ۳. ابو احمد عبد العزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی الجلودی. از اصحاب امام باقر (ع) ۴. ابو عبد الله، ابو محمد، جابر بن

یزید جعفی ۵. عبد الله ابن احمد، محمد، بن ابی الدنيا ع ابو الفضل سلمة بن الخطاب البراوستانی الزدورقانی. ۷. ابو الحسن علی بن محمد المداثی ۸. ابو زید عماره بن زید خیوانی همدانی ۹. احمد بن عبد الله بکری ۱۰. ابو عبیده معمر بن المثنی التیمی ۱۱. هشام بن محمد بن السائب بن بشر بن زید. ۱۲. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی. محمد بن علی بن فضل بن تمام بن سکین ۱۳. ابو عبد الله محمد بن زکریا بن دینار الغلابی ۱۴. ابو جعفر محمد بن یحیی الطیار قمی ۱۵. ابن واضح الیعقوبی احمد بن إسحاق؛ صاحب تاریخ یعقوبی ۱۶. ابو إسحاق ابراهیم بن إسحاق أحمري نهاوندی ۱۷. ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود ثقفی ۱۸. ابو الحسین الشافعی ۱۹. ابن شهر آشوب ۲۰. محمد بن حسن بن علی طوسی ۲۱. نجم الدین جعفر بن نجیب الدین محمد بن جعفر بن ابی البقاء هبة الله بن نما حلی ۲۲. ابو عبید القاسم بن سلار - سلام - الهروی ۲۳. عبد الله بن محمد بن عبد العزیز بغوی ۲۴. عمر بن حسن بن علی بن مالک شیبانی ۲۵. ضیاء الدین ابو الموید الموفق بن احمد خوارزمی ۲۶. ابو القاسم محمود بن مبارک واسطی ۲۷. عز الدین عبد الرزاق جزری ۲۸. سلیمان بن احمد طبرانی.

اللهوف

اللهوف علی قتل الطفوف

# اللهوف



### شرح حال موجز سید بن طاوس

او سید رضی الدین أبو القاسم علی بن سعد الدین ابی ابراهیم موسی بن جعفر بن محمد بن أحمد بن محمد بن طاوس است. نسب و الایش از پدر به امام مجتبی (ع) و از مادر به امام حسین (ع) می‌رسد و از همین رو به ذو الحسین ملقب گردیده است. سید بن طاوس در نیمه محرم سال ۵۸۹ در حله متولد شد و در یامداد روز دوشنبه ۵ ذی القعدة ۶۶۴ ه. ق. در بغداد رحلت نمود.

سید برای کتاب خود را با اسامی گوناگون بیان نموده آن گونه که در منابع آمده به این شرح است:

۱. اللهوف علی قتلی الطفوف. ۲. الملهوف علی قتلی الطفوف. ۳. الملهوف علی قتل الطفوف. ۴. اللهوف فی قتلی الطفوف. ۵. الملهوف علی أهل الطفوف. ۶. المسالك فی مقتل الحسین (ع) آن گونه که بر جلد نسخه آمده، بر این اساس که ابن طاوس در مقدمه‌اش می‌گوید: و آن را بر سه مسلک وضع کردم. شیخ طهرانی در الذریعة ۲۲/۲۲۳ اللهوف علی قتل الطفوف را اشهر می‌داند.

ترجمه کتاب

این کتاب توسط افراد چند از عربی به فارسی ترجمه شده است

۱. میرزا رضا قلی خان، ترجمه فارسی را «لجة الالم و حجة الأمم» نام نهاد.

۲. محمد ابراهیم بن محمد مهدی نواب، ترجمه را «فیض الدموع» نامیده است. و در تهران به سال ۱۲۸۶ ه. به چاپ رسیده است.

۳. سید احمد قهری ترجمه ای را به نام «أه سوزان بر مزار شهیدان» به چاپ رسانده است.

۴. درجمه، محمد محمدی اشتهاردی.

سید کتاب را در سه مسلک تدوین نموده است.

مسلک اول در امور مربوط به پیش از جنگ

این مسلک از زمان میلاد حسین (ع) پنجم یا سوم شعبان سال چهارم هجرت بود آغاز گردیده و آنچه با شهادت امام ع در ارتباط بوده بیان نموده مثل: خبر دادن جبرئیل (ع) از شهادت امام حسین (ع) به رسول خدا (ص) خطبه رسول خدا (ص) و خبر دادن شهادت حضرت را به مردم و ضجه مردم در مسجد با اشک و ناله برای امام حسین ع، همچنین سفارشات پیغمبر بر یاری آنحضرت.

نامه کوفیان به حسین بن علی (ع)، اعزام جناب مسلم بن عقیل به کوفه، نامه امام حسین (ع) به اشراف بصره، نامه یزید بن مسعود نهشلی به امام حسین ع، حاکم شدن ابن زیاد بر کوفه، حرکت امام به سوی عراق، مواجه شدن امام با سپاه حر.

مسلک دوم را در شرح حال جنگ و اموری که نزدیک به آن است تدوین نموده است

خطبه امام در مواجهه با سپاه عمر بن سعد، امان نامه شمر برای فرزندان ام البنین، شب عاشورا درخواست تأخیر جنگ تا روز عاشورا برای نماز، تلاوت قرآن، حوادث غمبار روز عاشورا، توبه حر بن یزید ریاحی، نماز ظهر عاشورا، شهادت اصحاب و فرزندان و بستگان امام (ع) شهادت امام ع، غارت خيام حرم و اسارت آل الرسول (ص)، اسب تاختن بر بدن مطهر امام علیه السلام.

مسلک سوم پیرامون امور پس از شهادت حسین (ع) است:

که با حرکت اهل بیت امام به همراه سرهای اهدا آغاز شرح حال اسراء در کوفه، خطبه زینب کبری (س) در کوفه، خطبه فاطمه صغری (س)، خطبه ام کلثوم (س)، خطبه امام سجاد (ع) جریان مجلس ابن زیاد، گزارش ابن زیاد به یزید راجع به داستان کربلا شرح حال اسرا در شام، روانه کردن اسیران را به جانب شام، آل الرسول در مجلس یزید، خطبه زینب کبری (ع) در مجلس یزید، عبور اهل بیت، بر مرقد حسین بن علی علیهما السلام، بازگشت اهل بیت علیهم السلام به مدینه الرسول، ورود اهل بیت علیهم السلام به مدینه، و با خطبه امام سجاد علیه السلام در بیرون مدینه کتاب پایان می یابد.

منابع

۱. محمد محمدی اشتهاردی، ترجمه، لهوف سید بن طاوس.

۲. علی کرمی، در سوگ امیر آزادی گویاترین تاریخ کربلا.

۳. ناصر، مکارم شیرازی، عاشورا ریشه‌ها انگیزه‌ها، رویدادها پیامدها.

۴. ابوالقاسم پاینده، ترجمه تاریخ طبری.

# پرده خوانی

سیدجواد حسینی

اما برخی دیگر، به عکس، نقوش پرده را ترجمان نمایش تمزیه در قالب هنرهای دیداری و ره آورد تمزیه می دانند.

ساختار پرده خوانی بر دو رکن «پرده» و «پرده خوان»، استوار است. پرده پارچه ای است که یک یا چند رخداد مصیبت بار خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر آن نقش شده است. موضوع اصلی این نقشها، واقعه کربلا و حوادث پیش و پس از آن بوده، اما رفته رفته داستانهای اخلاقی پندآموز مانند جوانمرد قصاب\* نیز به آن افزوده شده است. معمولا به لحاظ قداست عدد ۷۲ و ارتباط آن با واقعه کربلا در هر پرده ۷۲ مجلس فرعی و اصلی وجود دارد.

جنس پرده ها از «مقال» و «کریاس»، و اندازه آنها معمولا ۱۵۰\*۳۰۰ سانتیمتر است.

صورت‌های منقوش بر پرده، به دو گروه اولیا (نیکان) و اشقیا (بدان) تقسیم می شود. نقش سیمای اولیا بر پرده متفاوت است: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام در هاله ای از نور یا در تقاب تجلی می یابند و برخی فرزندان و یاری کنندگان ایشان، بدون هاله نور و تقاب، با رنگهای متناسب باورهای مذهبی و زیبا نقش می گیرند.

نوعی نمایش مذهبی ایرانی. در این نمایش کسی با عنوان «پرده خوان» از روی تصویرهای منقوش بر پرده، مصایب اولیای دین - بویژه اولیای مذهب شیعه - را با کلام آهنگین روایت می کند.

پرده خوانی را «شمایل گردانی» و «پرده داری» و «پرده برداری» نیز خوانده اند. دهخدا به پرده ای اشاره کرده است که شعیبه بازها و عروسک گردانها، از آن برای پنهان کردن ترفندهای نمایشی خود استفاده می کنند و این هیچ ارتباطی با پرده داری، نام دیگر نمایش مذهبی پرده خوانی، ندارد، اما برخی پژوهشگران به اشتباه از این تعریف برای توضیح پرده داری مذهبی بهره برده اند. صورت خوانی نیز بخشی از پرده خوانی بوده است و نمی تواند مترادف پرده خوانی قلمداد شود. پرده خوانی برآمده از نقالی\* و نقاشی مردمی است. پیشینه تاریخی آن را می توان با نوعی «قوالی» در ادوار پیش از اسلام مربوط دانست که پس از ورود اسلام به ایران، به دلیل محدودیتهای موسیقی، به نوعی «نقالی» ملی - مذهبی تغییر یافته است؛ بویژه در زمان صفویه که انواع نقالی مذهبی (روضه خوانی، حمله خوانی، پرده داری، صورت خوانی و سخنوری) شکل گرفت. به گفته جابر عناصری در جنگ شاه اسماعیل صفوی با ازبکها برای تهییج سپاهیان ایران از این نمایش استفاده می شده است. برخی نیز، موقعیت تاریخی پرده خوانی را حدفاصل گذار از برگزاری مراسم عزاداری عمومی ماه محرم در دوران صفویه، به برگزاری نمایش مذهبی تمزیه\* در دوران قاجاریه و یکی از منابع تحول و تکامل تمزیه دانسته اند.





برخی نیز نقاشیهای مانی را سرچشمه تاریخی اینگونه القابات مذهبی می دانند.

این احتمال نیز هست که صحنه پردازی و بازآفرینی وقایع کربلا از طریق نقاشی، در سده های یازدهم و دوازدهم / هفدهم و هجدهم، تحت تأثیر نقاشیهای رافائل و میکل آنژ در ایران رواج یافته باشد.

پرده خوان کسی است که معمولا همراه با اشاره کردن به تصاویر پرده، با چوب دستی ای به نام مطرق، این تصویرها را با صدایی رسا و آهنگین باز می خواند. اساسا این نمایش متکی بر «کلام» است. پرده خوان از پرده به دو روش بهره می برد: تزیینی و طوماری. او در روش تزیینی، پرده را صرفا برای جلب توجه تماشاگران می آویزد و داستان را براساس آن نقل نمی کند؛ اما در روش طوماری، داستان بر مبنای نقشهای پرده و گشودن تدریجی پرده منقوش روایت می شود. روی پرده مجموعه ای از تصاویر کوچکتر نقش شده که به صورت پی درپی ماجراهای داستان را نشان می دهد. پرده خوانها را درویش نیز می خوانند؛ از مشهورترین آنها درویش بلبل قزوینی بود.

نقشهای پرده، نقوشی عامیانه اند که بر مبنای تخیلات نقاش و گفته ها و نوشته های تاریخی و افسانه ای به تصویر کشیده می شوند. این نوع نقاشی راه از نوع نقاشی مردمی، موسوم به «نقاشی قهوه خانه ای» دانسته اند که اوج شکوفایی آن، بویژه در اواخر دوره قاجاریه، در قهوه خانه ها بوده است.

همچنین با توجه به موضوع محوری این نقوش، از آن با عنوان «نقاشی کربلا»، و به لحاظ رعایت برخی قواعد نمایشی اخیرا «نقاشی دراماتیک» نیز یاد می شود.

برخی پیشینه این نوع نقاشی مردمی را قرنهای پیش از پیدایش قهوه خانه و همزمان با سنت دیرینه قصه خوانی و مرثیه سرایی و تعزیه خوانی در ایران می دانند و به زمان نگارگری بر سفالینه ها و شمایلهای سوگ سیاوش می رسانند.



# رسوم کهن عزاداری محرم

معصومه حیدری

فصلنامه علمی، فرهنگی و سیاسی  
شماره ۳۰، زمستان ۱۳۹۳



قمه زنی  
قمه زنی معروف ترین نذر محرم بود که در قالب دسته های بزرگ در شب های هفتم و هشتم و نهم و دهم در کوچه ها و محلات تهران انجام می شد. سحرگاه روز عاشورا هم دسته ها کفن به تن با چند بیرق و کتل رجزخوانان و نمره زنان خود را به امام زاده و حسینیه و تکیه شان می رساندند و سردسته هیئت ها با تیغ های سلمانی جلو آمده ابتدا اطفال تازه نذر شده و تیغ نذراران را هر کدام چند تیغ به جلو سرهای تراشیده شده شان زده و حرکتشان می دادند و نوحه خوان ها شروع به نوحه خواندن و سنج زدن و سینه زدن می کردند.

بعد از آن در میان نوحه و فریاد یا حسین و خواندن این شعر که: حسین تنها به میدان می رود الله اکبر- برای دادن جان می رود الله اکبر، وارد میدان می شدند به این صورت که میاندار دسته در قاضیه خیابان وسط دو ردیف قمه زنان نمایان می شد با فریادی بلند یا حسین اولین قمه را بر سر خود فرود می آورد و به دنبال این حرکت بود که دیگران هم هر یک با شمشیر و قمه و قناره های خود به جان خود افتاده با کوبیدن بر سر، کفن سفید بر نشان را آغشته به خون می کردند.

دسته سنگ زن ها  
یکی دیگر از نذرهای عجیبی که دیگر خبری از آن نیست، «دسته سنگ زن ها» بود که افراد به جای سینه زدن و زنجیر زدن و... هر یک دو قلوه سنگ به دست گرفته با نوای نوحه خوان و صدای سنج بهم می زدند به این ترتیب که هر زن آن سه ضربه داشت که سنگ زن ها، در حالیکه دو صف دراز رویروی هم را تشکیل می دادند با خم و راست شدن، یکی از نزدیک زمین و یکی را برابر شکم و یکی را بالای سر می کوفتند، هدف از برگزاری این مراسم بر این بود که می گفتند روز عاشورا از جانب اشقیاء چنین سنگ هایی بر سر و پا و سینه و بدن امام و شهدا خورده بود.



شبیبه زین العباد  
«شبیبه زین العباد» هم از دیگر مراسم ها در ماه های محرم و صفر در تهران قدیم بود که در آن، افرادی که نذر مصیبت امام زین العابدین(ع) را داشتند از مدت ها قبل از محرم مچ پاها و بیخ بازوان و حلقه گردن خود را با زخم تیغ و نشتر و حتی تیزاب مجروح می کردند تا جایی که چرک کند و درروز عاشورا و یازدهم و دوازدهم آنها سوار شتر برهنه می شدند و مواضع مجروحشان را با زنجیر و غل بسته داخل دسته به تماشا می گذاشتند به نشانه اسارت امام و اینکه با چنان حالتی او را به پارگاه یزید رسانیده اند.



میخ و سیخ در پوست  
در تهران قدیم آنهایی که نذر قفل آجین می کردند، از مدتی  
قبل اندام خود را با داروهایی بی حس می کردند و قسمت  
هایی از آن را از گردن به پایین را سوراخ کرده و از آنها قفل  
و تیغ و نیزه و خنجر و سیخ و میخ و چاقو و شمشیر و امثال  
آن می گذراندند و خود را با این وضعیت به معرض نمایش  
می گذاشتند. حال بعضی از آنها به حدی به وخامت می رسید  
که افرادی همراه آنها می شدند تا نیفتند یا جان ندهند.



شمعی در بدن  
کنار نذر قفل آجین، شمع آجین هم از نذرهایی بود که در  
گذشته عده ای آن را ادا می کردند. این نذر هم تصورات  
دیگری از بلایای اسرا و شهدای کربلا بود که سر امام حسین  
(ع) در تنور خولی رفته، خیمه امام به آتش کشیده شده است  
و آتش از آنها به دامن زنان و اطفال صغیر امام رسیده و به  
تلافی آن افرادی به صورت همان قفل آجین تقاطی از بدن  
خود را سوراخ کرده و بر آنها شمع قرار داده و روشن می  
کردند و خود را در میان جمعیت عزاداران به نمایش می  
گذاشتند.



نذرهای ماندگار  
با وجود نذرهای عجیب و غریبی که در این روزها در تهران  
قدیم باب بود، عده ای هم نذرهای عام المنفعه را انتخاب می  
کردند. مثلا رسیدگی به وضع خیابان ها، تامین روشنایی  
معابر تاریک، پوشاندن چاله ها و راه آبها، کمک به  
نابینایان، پرداخت بدهی زندانیان یا تهیه غذا و پوشاک برای  
خانواده آنها، غذا دادن به پرندگان، میانجیگری در اختلافات  
خانوادگی هم از جمله کارهایی بود که در این ماه ها انجام  
می گرفت اما در این میان یکی از انواع نذورات گرفتن روزه  
سکوت بود به صورتی که فرد روزه گیر، در تمام دوازده  
روز عزاداری یعنی تا آخر محرم و گاهی تا آخر صفر یک کلام  
سخن نمی گفت. نذری که اگرچه خرافی نیست اما یکی از  
نذرهای عجیب آن دوره به حساب می آمد.



# مقتل نگاران شیعه

سید سلیمان حسینی



## جعفر بن عفان طائی

جعفر بن عفان از مرثیه سرایان و شاعران بنام شیعه است که توفیق مرثیه سرایی در محضر امام صادق(ع) را یافته بود و گفته می شود کتاب وی که المرثی نام داشت در دو دست ورقه بوده است. این اثر نیز اکنون در دسترس قرار ندارد.

لوط بن یحیی بن سعید بن سالم الازدی الغامدی - ابو مخنف

لوط بن یحیی از آخرین تاریخ نگاران عصر اموی بود و عمدتاً درباره موضوعات این دوره به تألیف آثار زیادی با عنوان تک نگاری که تاریخ نگاران بعدی از آنها بهره برده اند اقدام نمود.

ابو مخنف، بنابر گفته نجاشی:

«بزرگ مورخین کوفه بوده است.»

شیخ طوسی در القهرست بعد از معرفی شخصیت ابو مخنف، یحیی پدر او را از اصحاب امام حسن و حسین(ع) می داند. بنابر گفته صاحب قاموس الرجال، یحیی بن سلیم از طرف امیر المؤمنین والی همدان تا اصفهان بوده که امام علی(ع) با ارسال نامه ای او را به شرکت در جنگ صفین فرا خواند.

## تالیفات ابو مخنف:

در ذکر شرح حال این مورخ شیعه از او ۲۹ اثر ذکر کرده اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

کتاب المغازی، کتاب السقیفه، کتاب مقتل عثمان، کتاب الجمل وصفین

کتاب مقتل الحسن بن علی، کتاب مقتل امیر المؤمنین، کتاب قتل حجر بن عدی، کتاب قتل محمد، کتاب اخبار مختار، مقتل عبدالله بن زبیر، مقتل ابن اشعث، قتل محمد بن ابی بکر، یکی دیگر از کتابهای متعددی که به وی نسبت داده اند کتاب «مقتل ابی عبدالله الحسین» است.

صاحب قاموس الرجال در بیان شرح حال ابو مخنف می گوید:

«و کتابه فی مقتل الحسین - بیروی عته الطبری و ابو الفرج - اصح مقتل فانه بیروی الوقایع غالباً بواسطه واحده.»

«کتاب ابو مخنف در مقتل الحسین(ع) است که طبری و ابوالفرج اصفهانی از این کتاب نقل روایت کرده اند. این کتاب صحیح ترین کتاب مقتل است زیرا او روایتهای عاشورا را غالباً با یک نفر واسطه نقل می کند.»

## اصبغ بن نباته: حیات دوره امام علی(ع):

او از خواص اصحاب امام علی(ع) بوده و بسیاری از روایات خویش را از آن حضرت نقل نموده است. از جمله روایت نقل شده از وی عهدنامه مالک اشتر نخعی و وصیت نامه آن حضرت به محمد بن حنفیه است.

اصبغ بن نباته در جنگهای جمل و صفین در کنار آن حضرت حضور داشته و به علت تقوا و اعتمادی که امام علی(ع) به او داشت، او را «شرطه الخمیس» قرار داده بود

از او در زمینه تک نگاری با موضوعیت مقتل نگاری و محوریت ائمه اطهار کتاب مقتل ابی عبدالله الحسین نقل شده است. از این اثر اکنون تنها روایاتی در برخی منابع دیگر تاریخی باقی مانده است.

اگر چه مشهور آن است که کهن ترین مقتل مکتوب از اصبغ ابن نباته است. چنانکه شیخ طوسی در القهرست، کتاب مقتل الحسین بن علی را از آثار وی می داند [هرچند بنابر خبری که شیخ صدوق نقل کرده است، اصبغ بن نباته، شهادت امام حسین(ع) را درک کرده، اما در اخبار و گزارش های تاریخی، هیچ گونه خبری درباره واقعه عاشورا از او نقل نشده است، از این رو آن چه صحیح به نظر می رسد آن است که قاسم فرزند اصبغ که راوی برخی از اخبار واقعه عاشورا است، دارای کتاب مقتلی بود، چنانکه طبری [ابوالفرج اصفهانی شیخ صدوق] او سبط بن جوزی اخباری را به یک یا چند واسطه از او نقل می کنند.

## جابر بن یزید الجصفی

جابر یکی از بزرگان اهل کوفه بود. وی مورخ، مفسر و یکی از نخستین مؤلفان تک نگاری های متعدد شیعه بوده که شیخ طوسی و نجاشی وی را در زمره اصحاب امام باقر و امام صادق(ع) می دانند. شیخ مفید نیز او را یکی از یاران صادقین(ع) دانسته و معتقد است که هیچ گونه طعن و ذمی درباره او پذیرفتنی نیست. اما نجاشی او را توثیق نکرده و به ذکر تضعیف دیگران درباره وی می پردازد

اهل سنت تعداد زیادی از روایات های جابر را نقل و به او اطمینان دارند

جابر از بزرگان و اصحاب ائمه بوده و جای هیچ گونه تردیدی درباره شخصیت وی وجود ندارد و امام صادق(ع) درباره جابر می گوید:

«رحمت خدا بر جابر که بر ما راست می گوید و لعنت خدا بر مغیره بن سعید که بر ما کذب می گوید.»

جابر در زمینه فقه، تفسیر، تاریخ و معارف اسلامی صاحب تالیفاتی بوده است. از او در باب تاریخ و به ویژه مقتل نگاری کتاب های ذیل به نگارش در آمده است:

۱. کتاب الجمل
۲. کتاب صفین
۳. کتاب نهروان
۴. کتاب مقتل امیر المؤمنین
۵. کتاب مقتل ابی عبدالله الحسین

۱۶  
فصلنامه علمی، فرهنگی و رسانه‌ای  
پژوهش‌های دینی و فلسفی  
شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۸



### سلمه بن الخطاب البراوستانی

ابوالفضل سلمه بن الخطاب از فقیهان و محدثان شیعه در سده سوم هجری بوده و منسوب به براوستان از روستاهای قدیم ری است.

او در فقه و معارف کتب زیادی داشته است اما در تاریخ دو کتاب از او نقل شده است که عبارتند از:

۱. وفات النبی
  ۲. کتاب مولدالحسین و مقتله.
- اگرچه شیخ طوسی از این کتاب اخیر با نام مقتل الحسین یاد کرده است. اما این اثر اکنون موجود نیست.

### ابراهیم بن محمد بن سمید هلالی الثقفی

او اهل کوفه بوده و برای مدتی به اصفهان منتقل و در آنجا سکونت یافت. مذهب او در آغاز زیدی بود اما به مرور زمان به عقیده شیعه دوازده «۱۲» امامی روی آورد.

سبب انتقال وی از کوفه به اصفهان تألیف کتابی با نام المرفه در مناقب اهل بیت و مثالب سلف بود. بزرگان کوفه وی را از نشر این کتاب منع کردند. اما او بر خلاف سنت تقیه سوگند یاد کرد این کتاب را در بین دشمنان اهل بیت انتشار دهد.

او دارای آثار زیادی است اما اکنون معروف ترین اثر وی که کتاب الفارات است از وی برجای مانده است. برخی از آثار تاریخی وی عبارتند از:

- «کتاب المبتداء، سیره، اخبار المختار، مغازی، سقیفه، جمل، صفین، مقتل امیرالمؤمنین و کتاب مقتل الحسین».

محمد بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبدالله بن العباس بن علی بن ابی طالب

محمد بن علی از اصحاب امام هادی (ع) و امام عسگری (ع) بوده و از آنها روایت نقل کرده است. او مورخ، محدث و شاعر بوده است. نجاشی درباره وی می گوید:

«تقه، عین فی الحدیث، صحیح الاعتقاد..... و فی داره حصلت ام صاحب الامر (ع) بعد وفاه الحسن (ع)»

«او تقه و از نظر اعتقادی فردی سالم است. مادر امام عصر (عج) بعد از وفات امام عسگری (ع) در خانه او زندگی می کرده است.»

در زمینه نگارش کتاب های تاریخی و مقتل نگاری کتابی با نام «مقاتل الطالبین» از او نقل کرده اند. این کتاب از منابع و مصادر مهم کتاب مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی بوده است.

### احمد ابن اسحاق ابی یعقوب،

یعقوبی مورخ نامدار اسلام و صاحب آثار با ارزشی چون تاریخ یعقوبی است. او به غیر از تاریخ و جغرافیا، در علم نجوم، شعر و ادبیات نیز دستی داشته است.

با مرور و مطالعه کتاب تاریخ وی به طور مکرر به مطالبی درباره امام علی (ع)، روز غدیر، شأن نزول آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» و ذکر داستان هجوم به خانه زهرا (س) بر می خوریم که به خوبی از نگرش شیعی وی حکایت دارد. [۶۸]

یعقوبی دارای آثار برجسته ای بوده که برخی از آنها مفقود شده و برخی نیز وجود دارد که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. البلدان. این کتاب با همین نام چاپ و منتشر شده است.
۲. تاریخ. این اثر نیز با نام تاریخ یعقوبی مشهور و در چاپ های مختلفی نشر یافته است. این کتاب مشتمل بر تاریخ عمومی است.
۳. مقتل ابی عبدالله الحسین.

### نصر بن مزاحم بن سيار المنقری التیمی الکوفی - ابوالفضل

نصر بن مزاحم منقری کوفی نیز در زمینه نگارش مطالب تاریخی به ویژه تاریخ تشیع آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است که بارزترین نمونه آن کتاب «وقعه الصفین» است.

نجاشی در مورد او می گوید:  
«ابوالفضل کوفی مستقیم الطریقه، صالح الامر، غیر انه یروی عن الضمفاء»

ابن ابی الحدید درباره وی چنین می گوید:  
«فهو تقه ثبت، صحیح النقل، غیر منسوب الی الهوی.»

آثار او ۹ «ته» اثر ثبت شده است و تعدادی از آنها در مقتل است. که اکنون موجود نیست. از جمله کتابهای مقتل نگاری او عبارت است از:

۱. مقتل ابی عبدالله الحسین
۲. مقتل حجر بن عدی
۳. اخبار مختار

### ابراهیم بن اسحاق الاحمری النهاوندی «ابو اسحاق»

در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی، سه کتاب مربوط به موضوعات تاریخی به او نسبت داده اند که عبارت اند از:

۱. کتاب مقتل ابی عبدالله الحسین (ع)
۲. نفی ابی ذر
۳. کتاب الثقیه

وی از بزرگان علما و روایت بوده و صاحب تألیفات متعدد در فقه، تاریخ، نوادر و غیره است، و بسیاری از بزرگان شیعه؛ مثل، محمد بن حسن صفار، احمد بن محمد بن عیسی قمی و بسیاری دیگر از او حدیث نقل کرده اند.

تعزیه به معنای متعارف، نمایشی است که در آن واقعه [۱]  
کریملا به دست افرادی که هر یک نقشی از شخصیت  
های اصلی را بر دوش دارند، نشان داده می‌شود. [۲] این  
نمایش نوعی نمایش مذهبی و سنتی ایرانی-شعی و  
بیشتر درباره [۳] کشته شدن حسین بن علی و مصائب اهل  
بیت است



# تعزیه (تعزیت) میراث فرهنگی و معنوی بشر



تعزیه (یا تمزیت) به معنی سوگواری، برپایی یادبود عزیزان از دست رفته، تسلیت، امر کردن به صبر و پرسیدن از خویشان درگذشته، خرسندی دادن و در برخی مناطق ایرانمانند خراسان به معنای مجلس ترحیم است. اما آنچه به عنوان تعزیه مشهور است گونه‌ای از نمایش مذهبی منظوم است که در آن عده‌ای اهل ذوق و کارآشنا در جریان سوگواری‌های ماه محرم و برای نشان دادن ارادت و اخلاص به اهل بیت، طی مراسم خاصی بعضی از داستان‌های مربوط به واقعه کربلا را پیش چشم تماشاچی‌ها بازآفرینی می‌کنند. در تعزیه چون اهمیت خواندن هنرمندانه اشعار بیش از روش اجرا و نمایش واقعه‌هاست، آن را در قیاس با روضه‌خوانی تعزیه‌خوانی نیز گفته‌اند.

#### پیشینه

تاریخ پیدایش تعزیه به صورت دقیق پیدا نیست. برخی با باور به ایرانی‌بودن این نمایش آیینی، پاگیری آن را به ایران پیش از اسلام به پیشینه سه‌هزارساله سوگ سیاوشپهلوان داستان‌های ملی ایران نسبت داده و این آیین را مایه و زمینه‌ساز شکل‌گیری آن دانسته‌اند. برخی پژوهشگران نیز پیشینه آن را به آیین‌هایی چون مصائب میترا و یادگار زریبان بازمی‌گردانند و برخی پیدایش آن را متأثر از عناصر اساطیری میان رودان، آناتولی و مصر، و کسانی نیز مصائب مسیح و دیگر افسانه‌های تاریخی در فرهنگ‌های هند و اروپایی و سامی را در پیدایش آن کارساز دانسته‌اند. ولی به گمان بسیار، تعزیه جدا از شباهت‌های با عزاداری‌های آیینی گذشته شکل تکامل‌یافته‌تر و پیچیده‌تر سوگواری‌های ساده شیعیان سده‌های نخستین برای کشته شدگان کربلا است.

برخی دیگر با استناد به گزارش‌هایی، پیدایش تعزیه را مشخصاً از ایران پس از اسلام و مستقیم از ماجرای کربلا و شهادت حسین و یارانش می‌دانند. در دوره اخیر سوگواری برای شهیدان کربلا از سوی دوستداران اهل بیت در آشکار و نهان در عراق، ایران و برخی از مناطق شیعه‌نشین دیگر انجام می‌گرفت؛ چنان‌که ابوحنیفه دینوری، ادیب، دانشمند و تاریخ‌نگار عرب، در کتاب خود از سوگواری برای خاندان علی به روزگار امویان خبر می‌دهد.

اگر تعزیه را به معنی عزاداری و سوگواری و نه به معنی شبیه‌خوانی امروز گمان کنیم، نخستین سوگواری بعد از پیشامد عاشورا از سوی گواهان عینی واقعه کربلا بوده که در سنین کودکی و نوجوانی پس از عاشورا به اسارت رفتند؛ در واقع از هنگامی که قافله اسرا به طرف شام حرکت نمودند. برخی شبیه‌خوانی و برپایی تعزیه را جهت تماشای عینی واقعه کربلا به یزید نسبت داده‌اند که گویا از عاملین واقعه کربلا خواسته بود تا اعمالی را که مرتکب شده‌اند نمایش دهند و برخی به صفویه، دیلمیان و قاجاریه.

اما شکل رسمی و آشکار این سوگواری، به روایت ابن‌کثیر، برای نخستین بار در زمان حکمرانی دودمان ایرانی شیعه‌سذهب آل بویه صورت گرفت. این سوگواری به گونه‌ای بود که معزالدوله احمد بن بویه در دهم محرم سال ۳۵۲ هجری قمری در بغداد به مردم دستور داد که برای سوگواری، دکان‌هایشان را بسته و بازارها را تعطیل کرده، نوحه‌بخوانند و جامه‌های خشن و سیاه بپوشند از این دوره دسته‌های عزاداری و نوحه‌خوانی رایج شده و پایه‌های نمایش شبیه‌گردانی ایران گذاشته شد.

در دوران حکومت سلطان محمد خدابنده، شیعیان حداکثر استفاده را در انجام مراسم سوگواری و بزرگداشت خاندان محمد می‌کردند اما سوگواری‌ها در این فاصله تاریخی سبک مشخصی نداشت. به تدریج و به مرور زمان، عزاداری‌ها برای حسین بن علی، شکل و شیوه مشخصی پیدا کرد.

تعزیه اما در دوره ناصرالدین شاه به اوج خود رسید و بسیاری این دوره را عصر طلایی تعزیه نامیده‌اند. تعزیه که پیش از آن در حیاط کاروانسراها، بازارها و گاهی منازل شخصی اجرا می‌شد، اینک در اماکن باز یا سرپشته تکایا و حسینیه‌ها به اجرا درمی‌آمد. معروف‌ترین و مجلل‌ترین این تکایا، تکیه دولت بود که در همین دوره به دستور ناصرالدین شاه و مباشرت دوستعلی‌خان معیرالممالک در سال ۱۳۰۴ هجری قمری ساخته شد. تکیه دولت در زمان ناصرالدین شاه به تقلید از تماشاخانه ابراهال انگلستان ساخته شد که ابتدا به منظور یک سالن تئاتر ساخته شد اما با مخالفت‌هایی که بود به تکیه تبدیل شد. از دیگر تکیه‌های معروف آن زمان تکیه معاون‌الملک در کرمانشاه بود. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، تعزیه در ۳۰۰ مکان مشخص برپا می‌شد. تعزیه تا زمان مشروطیت در اوج ماند.

#### اصطلاحات و واژه‌های رایج در تعزیه

شبیه‌گردانی: نمایش تعزیه، شبیه بازیگر تعزیه، مقتل نویس: نویسنده نسخه و متن نمایش تعزیه. معین الیکا:

#### کارگردان تعزیه

ناظم الیکا: دستیار کارگردان تعزی، بانی: سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده تعزیه، فرد: نسخه و متن نمایشنامه تعزیه، بچه‌خوان: کسی که به جای دو طفلان مسلم می‌خواند، زینب‌خوان: بازیگری که در نقش زینب بازی می‌کند، رجزخوانی: هنگامی که اولیا (خاندان پیامبر) و اشقیما (مخالقان پیامبر) در مقابل هم از افتخارات و اصل و نسب خود حرف می‌زنند.

اشتم‌خوانی یا پهلوان‌خوانی: هنگامی که اشقیما با بیان غلوشده گفت‌وگوهایشان را بیان می‌کنند در حالی که اولیا در یک دستگاه موسیقی گفت‌وگو را به آواز بیان می‌کنند که به آن تحریرکردن می‌گویند.

مؤلف‌خوان: شخصی که در نقش اولیا بازی می‌کند. دستگاه: هر تعزیه کامل را یک دستگاه یا مجلس گویند.

#### روش اجرا

تعزیه معمولاً با به اجرا درآمدن پیش‌خوانی نمایش مجلس اصلی آغاز می‌شود. کسی که تعزیه را برپا می‌کند «بانی» و گرداننده آن را «تعزیه‌گردان»، «ناظم‌الیکا» یا «معین الیکا» و بازیگران آن را «تعزیه‌خوان» یا «شبیه‌خوان» می‌نامند. همچنین به سایر همکاران برپایی تعزیه «عمله» تعزیه می‌گویند.

در این نمایش محدودیتی برای استفاده از لوازم و اسباب در میان نیست. مثلاً در زمان ناصرالدین شاه هنگام اجرای مجلسی از مجالس تعزیه هنگامی که سخن از وجود یک شیر به میان آمد، بی‌درنگ صورت زنده این جانور را که در قفسی مجبوس بود از باغ وحش آورده و در پیش چشم حاضران به تماشا می‌گذاشتند تا هیجان صحنه بیشتر شود. شبیه‌خوان‌ها برای آسانی ادامه مطلب مربوط به نقش خود، معمولاً به هنگام اجرا، تکه کاغذی به نام «فرد»، در دست دارند که در آن‌ها مصراع‌های آخر نقش طرف مقابل یا نخستین مصراع از ادامه نقششان یادداشت شده تا بتوانند به‌موقع و بدون زحمت نقش‌آفرینی خود را دنبال کنند.



### انواع تعزیه

تعزیه از درون سوگواری‌های مذهبی برآمده و خود نیز جزئی از سوگواری به‌شمار می‌رود. اما رفته‌رفته با پیمودن مسیر تکاملی، انواع تعزیه‌ها به وجود آمد. تعزیه را می‌توان به تعزیه دوره، تعزیه زنانه و تعزیه مضحک تقسیم کرد.

### تعزیه دوره

تعزیه دوره عبارت است از نمایش چندین دستگاه تعزیه به گونه‌ای همزمان به طوری که چندین گروه تعزیه‌خوان در یک محل یا محل‌های مختلف، آن را می‌خوانند. شیوه کار به این صورت است که گروه نخست پس از پایان بخشیدن به کار خود در محل نخست، به محل دوم می‌رود و در آن‌جا همان دستگاه را تکرار می‌کند و دسته دوم جای گروه اول را گرفته، دستگاه دیگری را به نمایش درمی‌آورد. آن‌گاه گروه نخست پس از به پایان بردن کار در محل دوم به محل سوم می‌رود و گروه دوم نیز که کار خود را در محل اول پایان بخشیده، جای گروه نخست را در محل دوم می‌گیرد. به همین صورت چندین دستگاه تعزیه به صورت همزمان به نمایش درمی‌آید. در برخی جاها تعزیه دوره را در میدانی گرد و پر از تماشاگر بازی می‌کردند.

### تعزیه زنانه

تعزیه زنانه نمایش تعزیه‌ای است که روزگاری به وسیله زنان و برای تماشاگران زن، معمولاً در دنباله مجلس روضه خوانی اجرا می‌شد و تنها به صورت کاری تفریحی بر جا ماند و عمومیت و توسعه‌ای نیافت.

این تعزیه‌ها را در فضای باز حیاط‌ها یا تالارهای بزرگ خانه‌ها اجرا می‌کردند. بازیگران شبیه‌خوان‌ها زنانی بودند که پیش از آن در مجلس‌های زنانه «ملا» روضه می‌خواندند یا پای چنین مجالسی راه و رسم بازیگری را آموخته بودند. آن‌ها نقش مردان مجالس مختلف را نیز خود بازی می‌کردند. داستان این تعزیه‌ها مثل مضامین تعزیه معمولی بود، با این تفاوت که قهرمان‌های اصلی را بیشتر زنان تشکیل می‌دادند. تعزیه زنانه تا میان عهد قاجار گاه‌گاه در خانه‌های اشرافیان بازی می‌شد و رفته‌رفته تا اواخر این دوره از میان رفت.

### تعزیه مضحک

تعزیه مضحک، تعزیه‌ای است شاد با مایه‌هایی سرشار از طنز، کنایه، لحن و نفرین. افراد در این تعزیه به تمسخر دین‌ستیزان و کسانی می‌پردازند که به محمد و امامان شیعه و خاندان آن‌ها ستم یا بی‌ادبی کرده‌اند. اگر اولیاخوانی در این تعزیه‌ها نقش داشته باشد، حضورش چه در گفتار و چه در رفتار توأم با وقار و متانت است، در حالی که دیگران هر یک به جای خود با بازی‌ها و حرکتهایی مضحک و خنده‌آور ظاهر می‌شوند و شادی می‌آفرینند. گاهی هم برای نشان دادن مجلس کفار از مطربان و تقلیدگران و مسخرگان استفاده می‌کردند که چون مراد از این استفاده تمسخر و توهین به آن‌ها بود، طبعاً منعی نیز نمی‌توانست داشت. این نوع تعزیه‌ها معمولاً روزهای جمعه و عیدهای مذهبی و برای شاد کردن مردم اجرا می‌شد.

# مناقب خوانی

سیدمحمدحاشمی

۳۰  
فصلنامه علمی، فرهنگی و سیاسی  
شماره ۳۰ زمستان ۱۳۹۲  
۹۷



پس از این ایام مناقب خوانی جزو آئین های عاشورایی و تیابشی مردم شد و همواره با صوت و لحن زیبایی های معنوی و لفظی کلام نسل به نسل و سینه به سینه انتقال یافت. اشعار مدح و منقبت امام حسین(ع) و خاندان آل محمد(ص) از همان دوران سامانیان در کلام دلباختگان معصومین ظهور پیدا کرد و در زمانقرنویان و سلاجقه فراگیر شد. با این حال این حکام بویژه غزنویان با این آثار ائینی مخالفت می کردند و این اشعار در زمان آل بویه به اوج و شکوفایی رسید و در زمان صفویه به شیوه ای متعلم و بویا در میان مردم رواج یافت. با این حال در ادبیات عرب نیز شاعران مشهوری از جمله کمیت ابن زید اسدی، ذعبل خزاعی و سید حمیری، مدح و منقبت را رواج دادند و به این ترتیب تاریخچه آئین مناقب خوانی با ادبیات عاشورایی و سابقه ای دیرین گره می خورد.

هوشنگ جاوید نویسنده کتاب «مناقب خوانی» در بخشی از این کتاب چنین می نویسد: «گذشتگان ما فضیلت شنیدن و فضیلت دیدن را خوب می دانستند.

مناقب خوانی گونه ای از ستایشگری مذهبی و روایات حماسی، آئینی مذهبی و هنری است که به شکل تلویحی و ضمنی انجام شده است. منقبت خوان به لحاظ واژه شناسی تاریخی به مداح شیعه گفته می شود. مناقب خوانان در مجالسی که در مساجد یا تکایا برپا می شد به منقبت خوانی می پرداختند. براساس تاریخ منقبت خوانان سبغان دینی و مذهبی بوده اند که به نقل و صوت و مدح و بیت، ارادات خود را به امام حسین(ع) و خاندان عصمت و طهارت ابراز می کردند.

منقبت خوانی با آغاز شعر یارسی شکوفاشد و به این ترتیب بسیاری از آثار اوایی و شفاهی منقبت خوانی از کلام بافر و باشکوه شاعران برجسته ادب پارسیکه دلباخته خاندان عصمت و طهارت بودند، تأثیر گرفت و در میان مردم زمزمه شد. مدح رشادت های شهیدای کربلا، جوانمردی های حضرت عباس(ع) و شخصیت الوهی و متعالی حضرت امام حسین(ع) در صفا و اوای منقبت خوانان به گوش مردم می رسید و دل های آنان را به سرچشمه معرفت گره می زد.



وقتی که نگاه می کنیم به گستره های نعمات آوایی در کشور خودمان، به یک اقبالوس بر می خوریم، اقبائوسی که از خلیج فارس شروع می شود و تا دریای خزر ادامه پیدا می کند. منقبت نخل قد کشیده علی (ع) است بر آسمان ایمان در طول تاریخ، گام های مرد عدالت، رادی و جوانمردی است در عصر پر از بیگانگی، منقبت صدایی است که زنجیر های ستم را از هم می برد، منقبت، حکایت مردی را آواز می دهد که رنج، صیقلش می داد، و در هر گام پر غرور و شکوهمندش چهره پر نیرنگ ستمگران را می نمایاند... و منقبت هرچند خیال، حقیقت است. شعر ترین شعر ایمان و ایقان است.

این هنر آیینی و نمایشی برای آنکه بتواند طی تاریخ حیات خود از قافله سایر هنرهای نمایشی عاشورایی عقب نماند، ردیف های آوازی و مرثیه خوانی ایرانی را به کلام مجاوره ای و نقال مانند مناقب خوانان افزود و خود به عنوان هنری تبدیل شد که در راستای توسعه و حفظ میراث آوازی ملی و بومی ایرانی تا به امروز گام های استواری برداشته است.

هر چند با گذشت زمان و توسعه و رشد هنرهای از جمله [تعزیه] و [تشییه خوانی] به سبب فرم اجرای گروهی آنها و البته بهره بردن از اسباب و لوازم ساز کردن نمایش سایر آیین های نمایشی عاشورایی مانند [منقبت خوانی] از رشد آرام تری برخوردار بودند اما هنوز هم اجرای [منقبت خوانی] از جایگاه مناسبی برخوردار است و هنرمندان این رشته علاوه بر انتقال داشته های محفوظ در سینه های خود به شاگردان، تلاش خود را برای حفظ این میراث معنوی به کار بسته اند.



یکی از مکان های که عموماً در آن مناقب خوانی میشد زیارت منصوب به حضرت علی در مزار شریف، زیارت سید یحیی (یحیی بن زید بن علی زین العابدین) و زیارت های دیگری در مناطق چارکنت و نقاطی دیگری در سمت شمال کشور بود. مناقب خوانان در روز های سال نو که اکثر مردم برای افراتستن علم منصوب به حضرت علی تشریف می آوردند در یک محلی از محوطه زیارت مناقب خوانی شانرا شروع و شایقین بدور آنها جمع شده و از شنیدن آن لذت می بردند. در شهر کابل و مزار شریف در تکیه خانه ها هم مجالسی بر گزار می شد از جمله مجلسی که در چنداول کابل بر گزار بود که آقای بلبل کابلی نیز در آن اشتراک داشته و اشعار زیبایی برای مناقب خوانان می سروده که تا امروز اکثریت آن اشعار توسط مناقب خوانان خواننده می شوند. این سیر روز بروز به رشد خود پرداخته و شعرا و ادیبانی زیادی به آن پیوسته اند و بحمدالله رنگ و رونق آن هر روز بیشتر می گردد. در حال حاضر شعرای زیادی مانند شورش، احمدی، نگاه، گلپان و ده ها شاعر دیگر مدیحه سرا وجود دارند که برای مناقب خوانان اشعار زیبایی در وصف علی و اولاد علی می سرایند. اشعار این شعرا رونق دهنده مجالس مناقب خوانی اند.

تاریخ تشیع در افغانستان فرازو نشیب های فراوانی را بخود دیده و اندواری را سپری نموده که شیعیان این مرز و بوم اجرای مراسم مذهبی و حتی آذای قرائض و واجبات خویش را در خفا انجام میداده اند. از جمله مناقب خوانی و صلحی که یک نوع خاصی از اظهار ارادت به اهل بیت پیغمبر معظم اسلام است و در آن بر علاوه توصیف و تکریم پیغمبر و اُش معرفی باور های شیعی و بیان سیره پیغمبر و امامان دوازده گانه و معارف شیعی به شکل منظوم و خیلی جامع بیان می گردد.

حدود ۲۰۰ سال قبل اخصاً در دوران حکومت جابرانه عبدالرحمن مناقب اهل بیت بمعنی شیعه بودن و جرم پنداشته می شده و کسی اجازه آنرا نداشت. است. از همین رو شیفتگان اهل بیت در خفا آنرا انجام می دادند و عموماً سینه به سینه انتقال می یافته و از ترس جاسوسان زمان آثار مکتوم از خود بجای نمی گذاشتند. بعد ها یعنی از حدود بیشتر از نیم قرن به اینطرف در اثر سعی و تلاش علمای شیعی و تغییر شرایط زمان شیعیان اندک اندک خود را ظاهر ساختند و اجرای مراسم مذهبی شان از حالت خفا بصورت علنی در بعضی نقاط مشخص انجام می دادند. مناقب خوانی هم رشد خود را آغاز و شعرا و مناقب خوانانی مثل سید کاظم (بلبل کابلی) ظهور و به شکوه بیشتر این هنر اسلامی پرداختند. دسترسی به کتاب ها و دیوان های شعرای از کشور ایران مانند ابن حسام خوشفی، کاشی، محتشم و امثالهم میسر گردید.

